

جمعیت با سیاست‌های تشویقی افزایش نمی‌یابد

امیرهوشنگ مهریار، فوق دکترای بهداشت روانی اجتماعی از دانشگاه هاروارد، در سال ۱۳۵۱ وقتی که تحصیلاتش به پایان می‌رسد...



سلامت نیوز : امیرهوشنگ مهریار، فوق دکترای بهداشت روانی اجتماعی از دانشگاه هاروارد، در سال ۱۳۵۱ وقتی که تحصیلاتش به پایان می‌رسد، به ایران بازمی‌گردد. در همین سال‌ها علاقه به مسائل جمعیت و تنظیم خانواده، او را به انجام تحقیقاتی در همین زمینه سوق می‌دهد و به قول خودش وارد جریان پیشگیری از تولدهای ناخواسته و به عبارتی وارد برنامه‌های تنظیم خانواده می‌شود.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از بهار ؛ در ادامه فعالیت‌هایش، زمانی که دانشگاه شیراز با همکاری دانشگاه کارنایدین آمریکا، مرکز جمعیت‌شناسی را در سال 1354 در شیراز تاسیس می‌کند، امیرهوشنگ مهریار اولین رییس این مرکز می‌شود و تا سال ۱۳۵۶ در همین سمت باقی می‌ماند. او در سال‌های قبل و بعد از انقلاب به عنوان مشاور بهداشت باروری در سازمان جهانی بهداشت مشغول به فعالیت بوده است. امیرهوشنگ مهریار در این گفت‌وگوی کوتاه، سیاست‌های کنونی جمعیتی در ایران را نقد می‌کند و معتقد است قطع بودجه تنظیم خانواده و اجرای سیاست تشویق به فرزندآوری، سلامت زنان را تهدید می‌کند.

به عنوان کسی که سال‌های سال، در جریان سیاست‌های تنظیم خانواده دخالت داشته‌اید، می‌خواهم بدانم آیا در سیاست‌های اخیر مسئولان مبنی بر تشویق زاد و ولد و افزایش جمعیت، زنان و سلامت آن‌ها در نظر گرفته شده است؟

در ابتدا باید درباره سیاست تنظیم خانواده بگویم. این‌که این سیاست بر مبنای دو هدف شروع به کار کرد؛ هدف اول کنترل مولید و کم کردن رشد جمعیت بود که به این هدف، هدف دموگرافیک یا هدف جمعیت‌شناختی گفته می‌شود. هدف دوم، هدف سلامتی یا بهداشت باروری زنان بود که سازمان بهداشت جهانی در پی کمک به سلامت زنان بود چراکه در هر باروری، مقداری از خطر نظیر مرگ و میر یا معلولیت و... برای زن وجود دارد. بنابراین مسئله بهداشت و سلامت زنان در نهضت تنظیم خانواده مطرح بود. در سال 1994 سازمان ملل متحد کنفرانس بین‌المللی در قاهره به نام کنفرانس سلامت و توسعه برگزار و دولت ایران هم در آن زمان در کنفرانس شرکت کرد. در آن کنفرانس روی سلامت و حقوق زنان، تواناسازی آن‌ها برای تصمیم‌گیری در تعداد بچه‌هایی که می‌خواهند به دنیا بیاورند و جلوگیری از بارداری‌های ناخواسته تاکید شده بود.

اشاره کردید که هر بارداری، سلامت زنان را به خطر می‌اندازد. سرنوشت سلامت و بهداشت زنان در سیاست جدید چه می‌شود؟

سیاست جمعیتی که دولت پیش رو گرفته است و تلاش می‌کند سن ازدواج و سن اولین باروری را پایین بیاورد و فاصله بین باروری‌ها را کاهش دهد برای سلامتی زنان خطر دارد. به همین دلیل است که برنامه تنظیم خانواده‌ای که در سال 1979 تصویب شده بر مقیاس‌های بین‌المللی سن باروری، فاصله‌گذاری بین باروری‌های مختلف و خواسته بودن باروری تاکید کرده تا به سلامت زن و کودک کمک کند.

با وجود به خطر افتادن سلامتی زنان در باروری‌های متمادی، چرا در سیاست کلان کشوری روی آن تاکید می‌شود؟

دو علت دارد؛ یکی این‌که برنامه تنظیم خانواده در ایران خیلی سریع‌تر از زمانی که انتظار می‌رفت محقق شد و باعث شده نرخ رشد جمعیت ما پایین بیاید. کاهش نرخ رشد جمعیت نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است؛ این‌که جمعیت ایران در حال کاهش است و در آینده‌ای نزدیک ما در مقابل کشور افغانستان و همسایه‌های دیگر دچار کمبود جمعیت می‌شویم. این دلیل شاید از نظر سیاستمداران مهم باشد اما به خودی خود عامل مهمی نمی‌تواند محسوب شود. دومین علت این است که کاهش نرخ رشد جمعیت باعث کاهش درصد کودکان و افزایش درصد افراد مسن می‌شود. بالا رفتن درصد افراد مسن در جامعه نیز باعث می‌شود تعداد نیروی انسانی در سن فعالیت اقتصادی دچار اشکال شود. این موضوعی است که حتی کشورهای غربی هم با آن روبه‌رو هستند. به نظر می‌رسد هنوز جمعیت ما در حد خوبی یعنی 1/2 درصد رشد می‌کند.

یعنی در 70 سال حداقل جمعیت ما دوبرابر خواهد شد. از طرف دیگر ما نیروی کار کم نداریم. درصد بسیاری از جمعیت ما در سنین بالقوه کار 15 تا 64 سالگی هستند که از نظر جمعیت‌شناسی به آن پنجره جمعیتی گفته می‌شود و موقعیتی است که باید از آن خوب استفاده کرد. باید کار ایجاد کنیم تا اقتصادمان سریعاً رشد پیدا کند و تامین اجتماعی‌مان به حدی رشد کند که حتی سالمندی بعدی که در ایران در سال 2040 پیش خواهد آمد، ما را اینقدر نگران نکند. همچنین ما نیروی عظیمی به نام نیروی زنان داریم که عمدتاً تحصیل‌کرده هستند. از 37 میلیون جمعیت زنان در کشور، تنها 12 تا 13 درصد زنان در بازار کار هستند در حالی که اگر واقعاً دچار کمبود نیروی کار شده‌ایم، می‌توانیم از نیروی کار زنان استفاده کنیم. از نظر من دلایل نگرانی‌هایی که برای کاهش نرخ رشد جمعیت ارائه می‌شود به هیچ‌وجه اقناع‌کننده نیست.

آقای دکتر! یکی از نگرانی‌هایی که مسئولان برای تشویق فرزندآوری ذکر می‌کنند پیری جمعیت است. آیا تنها راهکار مقابله با پیری جمعیت، توقف برنامه تنظیم خانواده و تشویق به افزایش زاد و ولد و باروری است؟

کشورهای آمریکایی 50 سال پیش از این با پیری جمعیت روبه‌رو بوده‌اند که از طریق پذیرش نیروی مهاجر از کشورهای در حال توسعه توانستند با این مسئله مبارزه کنند. ولی مهاجرت مشکلات خاص خود را دارد. در کشور ما نیز از راهکار مهاجرت می‌توان استفاده کرد. برای جبران کمبود نیروی کار هم می‌توان از نیروی کار بالقوه زنان سود جست و هم از آوردن مهاجران. ولی درباره سالمندی جمعیت واقعیتی وجود دارد؛ این‌که هر چقدر نرخ رشد باروری کم شود؛ طبیعی است که نسبت کودکان در جمعیت کم می‌شود. ما در حال حاضر چهار و نیم تا پنج درصد جمعیت‌مان بالاتر از 65 سال است که در سال 2030 به 12 تا 15 درصد می‌رسد. این درصد رو به افزایش است. بنابراین باروری پایین می‌آید. اما سالمندی به خودی خود به این معنی نیست که اقتصاد شکست بخورد.

در حال حاضر در جامعه ما وظیفه فرزندزایی بر عهده زن است. وظیفه تربیت فرزند نیز عمدتاً بر دوش زنان است. سیاست افزایش جمعیت، روی زندگی زنان ایرانی چه تاثیری می‌گذارد؟ آیا اصلاً جای نگرانی هست یا نه؟

مطمئن می‌تواند نگران‌کننده باشد. با پیشرفت اقتصادی، بالا رفتن سطح رفاه و انتظارات، دیگر این طور نیست که مادران در پی به دنیا آوردن چهار یا پنج بچه باشند تا بلکه دوتایش زنده بماند. همچنین بچه‌ها، دیگر عصای پیری نیستند و تامین اجتماعی عصای پیری شده است. به این دلایل مردم در کشورهای در حال توسعه مثل ایران علاقه زیادی به فرزند آوردن ندارند. تقاضا برای بچه کم شده است و هرچه سطح توسعه‌مان بیشتر شود این مسئله بیشتر خواهد شد. در این شرایط تنها کاری که مسئولان می‌توانند انجام دهند ارائه تشویق‌ها و جایزه‌های مادی به خانواده‌ها است. سیاست تشویق مادی در کشورهای اروپایی نیز انجام شده است و مردم را به بارداری تشویق کردند منتها این ابزار موثر نبود. سیاست‌های سخاوتمندانه در بالا بردن باروری موثر نیست. در ایران هم تنها گروهی که ممکن است به این سیاست تن و به تشویق‌های مادی پاسخ بدهند طبقات پایین هستند.

آن‌ها به دلایل فقر فرهنگی و فقر مادی آمادگی تربیت بچه ندارند اما با سیاست‌های جایزه‌ای بچه می‌آورند که بچه‌هایشان در آینده به دلایل مختلف سربار جامعه می‌شوند. همچنین اگر برنامه تنظیم خانواده فعلی که در اختیار همه هست اجرا نشود همین گروه زنان طبقه پایین جامعه بیشترین آسیب را می‌بینند. زنان طبقات متوسط شهری به مراکز درمانی خصوصی دسترسی دارند و حتی اگر دسترسی هم نداشته باشند اینقدر آگاهی دارند که برای جلوگیری از بارداری از روش‌های سنتی استفاده کنند. اما طبقات پایین به دلیل عدم دسترسی به این امکانات و بدون آگاهی از روش‌های جلوگیری از بارداری، میزان باروری‌های ناخواسته‌شان زیاد می‌شود و اکثر آن‌ها از راه‌های غیرسالم به سقط جنین اقدام می‌کنند و احتمال این‌که سقط جنین در طبقات پایین بالا و مرگ و میر مادران به همین دلیل بالا برود وجود دارد.

چند ماه پیش بودجه تنظیم خانواده در وزارت بهداشت حذف شد. یکی از معانی حذف شدن این بودجه، عدم ارائه یا کاهش خدمات بهداشت باروری به زنان است. عواقب عدم ارائه خدمات بهداشت باروری به زنان چیست؟

خطر عمده‌اش افزایش باروری‌های ناخواسته و انجام سقط جنین‌های غیرقانونی و غیربهداشتی است. به‌ویژه زنان طبقات پایین برای رها شدن از بارداری ناخواسته به مکان‌های غیربهداشتی و زیردست غیرمتخصص‌ها خواهند رفت و این یعنی مرگ و میر و آسیب به سلامت زن.

با این حساب شما یکی از مخالفان سیاست افزایش جمعیت هستید؟

بله، من هنوز هم فکر می‌کنم برنامه تنظیم خانواده بسیار مفید بوده و هنوز هم مفید است. تجربه کشورهای دیگر هم نشان داده که برنامه‌های دولت برای ارائه تشویق‌های مادی هم اثری نخواهد داشت.

یعنی معتقدید تشویق‌هایی نظیر افزایش کمک‌هزینه مهد کودک برای مادران شاغل، ارائه تسهیلات تامین اجتماعی به بچه سوم به

بعد و سایر سیاست‌های اینچنینی که در سال‌های اخیر تصویب شده، در گرایش زنان به باروری‌های بیشتر تاثیری ندارد؟

من مطمئن نیستم که این برنامه‌های تشویقی در افزایش جمعیت تاثیری داشته باشد.

به نظر شما چرا با وجود تشویق، برخی زنان استقبالی از سیاست جدید جمعیتی نمی‌کنند؟

باردار شدن دردسر دارد. بیماری دارد. مسئله پر کردن شکم هست. مسئله نگهداری بچه مشکل است و دولت ما هم برای هیچ یک از این مراحل کاری نکرده است. به جوانان می‌گویند ازدواج کن. برای چه؟ وقتی کار و خانه ندارد برای چه ازدواج کند؟ حتی کار هم باشد، مزدش کفاف اجاره‌خانه را نمی‌دهد. تبلیغ دولت برای ازدواج زود و باروری زیاد موفق نمی‌شود و این واقعیتی است که وجود دارد.